



وزارت علوم تحقیقات و فناوری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پژوهشکده غرب شناسی و علم پژوهی

گروه تاریخ علم دوره اسلامی

رساله دکتری رشته تاریخ علم دوره اسلامی

برآمدن و تطور آموزش پزشکی مدرن در ایران (از دارالفنون تا عصر حاضر)

استاد راهنما: دکتر علیرضا منجمی

استادان مشاور:

دکتر غلامحسین مقدم حیدری

دکتر مینو یغمایی

پژوهشگر: امیر محمدی

تیر ۱۳۹۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت علوم تحقیقات و فناوری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پژوهشکده غرب شناسی و علم پژوهی

گروه تاریخ علم دوره اسلامی

رساله دکتری رشته تاریخ علم دوره اسلامی

برآمدن و تطور آموزش پزشکی مدرن در ایران (از دارالفنون تا عصر حاضر)

استاد راهنما: دکتر علیرضا منجمی

استادان مشاور:

دکتر غلامحسین مقدم حیدری

دکتر مینو یغمایی

پژوهشگر: امیر محمدی

تیر ۱۳۹۷

سپاسگزاری:

اکنون که به لطف ایزد متعال برآنم که پایان نامه‌ی دوره دکتری خود را به اتمام برسانم، شایسته است که از همه‌ی اساتید و بزرگانی که در تمامی مراحل پرفراز و نشیب تحصیل مرا نکته‌ای آموخته‌اند قدردانی نمایم. به ویژه از استاد گرانمایه و پزشک عالیقدر جناب آقای دکتر علیرضا منجمی، که راهنمایی این پایان نامه را پذیرفتند و با نکته‌سنجی، صبر و حوصله‌ی فراوان، همواره در طول انجام رساله یاریگر نگارنده بوده و بی‌شک کار بدون ارشاد ایشان به نهایت نمی‌رسید.

از اساتید مشاور ارجمند، سرکار خانم دکتر یغمایی و جناب آقای دکتر غلامحسین مقدم حیدری که با تذکرات و نکته‌سنجی‌های ارزشمندشان در تکمیل و تنقیح این رساله، راهنمایی‌های سودمندی ارائه کردند، تشکر می‌کنم.

همچنین لازم است از دیگر اساتید محترم گروه تاریخ و فلسفه علم پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی که در دوره‌ی تحصیلی دکتری از محضر علمی ایشان بهره‌مند شده و شاگردی آنها را داشته‌ام، سپاسگذاری نمایم.

در آخر لازم می‌دانم از تمامی دوستان و عزیزان که در انجام این مهم مرا یاری کردند، علی‌الخصوص همسر دلسوزم زهره محمدی که در بسیاری از مراحل تحقیق همراه و یاورم بود، صمیمانه سپاسگذاری کنم، و توفیق روز افزون تمامی آنها را از درگاه ایزد یکتا خواستارم.

تقدیم بہ تمامی آنہائی کہ بی ریا و بی ادعا ہمارے پشتیبانم ہوئے اند۔۔۔

از جگہ:

پدر و مادر بزرگوارم

ہمسرد و لوزم

و بچانہ دختر و بلندم «ناکرین»

چکیده:

پزشکی در تاریخ معاصر ایران سیر قاعده‌مندی را طی کرده است؛ همگام با این روند، آموزش پزشکی در مقام ابزاری پویا و مؤثر، جهت انتقال علوم و فنون پزشکی، و فرآیندی برای آموزش ارزشهای حرفه طبابت، همواره در خدمت مکاتب، جریانات و گفتمانهای حاکم بر علوم پزشکی در طول تاریخ طبابت قرار داشته است.

بالغ بر یک قرن و نیم از آموزش پزشکی مدرن در ایران می‌گذرد. این امر بمثابة یک جریان پیوسته و معنادار تاریخی - اجتماعی، شاهد تغییرات و دگرگونیهای گسترده‌ای در طول حیات خود بوده است. این جریان در بستری اجتماعی پا گرفته و همگام با تحولات تاریخی، از حاکمیت‌های سرزمینی، ارزشهای فرهنگی، گفتمانهای پزشکی، مکاتب دینی و دگرگونیهای بین‌المللی متأثر گردیده است.

همگام با ورود پزشکی مدرن به ایران، آموزش و تعلیم آن در مدرسه دارالفنون دایر شد، و در تقابل با طب سنتی ایرانی، تکوین و هویت مستقل یافت، آموزش پزشکی نوین در دوره پهلوی در روند مدرنیزاسیون، به فضای آکادمیک راه یافت و در دانشکده پزشکی مستقر شد. در اوایل دهه پنجاه شمسی بمثابة چالشی مؤثر در وضعیت سلامت کشور مطرح گردید؛ آموزش پزشکی بعد از پیروزی انقلاب، تحت تأثیر گفتمانها و جریانات جدید با نظام ارائه خدمات درمانی ادغام شد و در وزارتخانه تازه تأسیس « بهداشت، درمان و آموزش پزشکی» قرار گرفت.

دهه شصت شمسی رشد کمی قابل ملاحظه‌ای در فرآیند آموزش پزشکی اتفاق افتاد و دانشکده‌های متعددی در سراسر کشور تأسیس شدند، چالشهای لاینحل در سیستم آموزش پزشکی زمینه را برای تغییر نظام کیفی در دهه هفتاد شمسی فراهم ساخت؛ و این نظام دستخوش تحولاتی نه چندان مؤثر در عرصه ارتقای کیفی و برنامه‌ای گردید؛ متولیان آموزش پزشکی در دهه هشتاد زرمه انتزاع آموزش پزشکی و برنامه‌الحاق مجدد آن را به وزارت علوم سر دادند، با اینحال بعد از یک قرن و نیم هنوز آموزش پزشکی با مشکلات ساختاری عدیده‌ای روبروست.

پایان نامه‌ی حاضر با عنوان «برآمدن و تطور آموزش پزشکی مدرن در ایران (از دارالفنون تا عصر حاضر)» قصد دارد با بررسی سیر تاریخی و شناخت همه جانبه از مسأله آموزش پزشکی مدرن در ظرف زمان و مکان معین، به چرایی و چگونگی ظهور، قوام و تغییرات چند جانبه این مقوله بپردازد، چرا که پژوهش آکادمیک در این حوزه، فارغ از ارزش ذاتی؛ ریشه‌ی واقعی بسیاری از معضلات و مسائل امروزی در آموزش پزشکی را روشن می‌کند.

بر این اساس، پژوهشگر مدعای خود را در دستیابی به ارتباط ساختاری مسأله آموزش پزشکی با ماهیت خود مسأله و دیگر عوامل کلان داخلی و جهانی در هر دوره از تاریخ ایران قرار داده و این فرض وجود دارد که آموزش پزشکی در تداومی تاریخی دچار تحول گردیده؛ در دوره قاجار هویتی مستقل پیدا کرده، و در سایه ضرورت‌های اجتماعی و فرآیند‌های بوروکراتیک، بعنوان چالشی لازم‌التغییر در دوره پهلوی معرفی شده و بعد از پیروزی انقلاب تحت تأثیر جریانات انقلابی - ایدئولوژیکی، ساختاری منحصرگونه بخود گرفته است.

به منظور اثبات یا رد مدعای فوق، پیش از هر چیزی لازم است به شناختی کامل از تاریخچه‌ی آموزش پزشکی در طی یکصد و هفتاد سال گذشته پرداخته شود؛ سپس با فراهم نمودن تمهیدات معتناهی، ادعای موردنظر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

پژوهشگر با روش توصیفی-تحلیلی و در چارچوب مطالعات تاریخی، با تکیه بر اسناد آرشیوی و کتابخانه‌ای (سالنامه‌های آماری، دستورالعملها و برنامه‌های اجرایی سازمانها و وزارتخانه‌ها و متون تاریخی آن دوره) در صدد پاسخگویی به ابهامات ناگشوده پژوهش‌لست.

یافته‌ها: آموزش پزشکی در ایران تحت تأثیر مطالبات جمعی، دغدغه فراگیر نخبگان اجتماعی و تحولات جهانی در اولین مرکز آموزشی پیشرو ایران (دارالفنون) پا گرفت؛ در دوره پهلوی اول از دروازه رسمی دولت مدرن به دنیای آکادمیک پا نهاد و در دوره پهلوی دوم بمتابجه مسأله ای بنیانی که باید در ظرف اصلاح و تغییر قرار گیرد، مطرح شد. در اوایل انقلاب، گفتمان حاکم با اعمال تحولاتی ساختاری و منحصر در بدنه آموزش پزشکی، آن را بسمت توسعه کمی غالب سوق داد. اوایل دهه هفتاد، فصل بازنگری و ارتقای کیفی این مسأله بعنوان رشته ای مستقل در فضای آکادمیک محسوب می شود. مقوله‌ایی که در دهه حاضر، با تحقق اهداف اولیه اش، فاصله زیادی داشته و در پاره ای از موارد؛ حامل اصول و گزاره هایی مخالف با ارزشهای نهفته در گفتمان حاکم بر تغییرات ساختاری آن در دهه شصت شمسی است.

کلید واژه‌ها: آموزش پزشکی، دانشکده پزشکی، دارالفنون، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

فهرست مطالب	صفحات
فصل اول: کلیات.....	۱۱
۱- بیان مسأله.....	۱۱
۲- اهمیت و ضرورت انجام این پژوهش.....	۱۳
۳- اهداف پژوهش.....	۱۴
۴- قلمرو پژوهش.....	۱۵
الف) قلمرو مکانی و زمانی.....	۱۵
ب) قلمرو موضوعی.....	۱۵
۵- سؤال‌های پژوهش.....	۱۵
۶- فرضیه‌های پژوهش.....	۱۵
۷- فصل بندی پژوهش.....	۱۶
۸- پیشینه پژوهش.....	۱۶
۹- جنبه‌ی جدید بودن و نوآوری پژوهش.....	۱۹
۱۰- روش انجام پژوهش و دلیل انتخاب این روش.....	۲۰
۱۱- فنون و ابزارهای گردآوری اطلاعات.....	۲۰
۱۲- فنون و روش تجزیه و تحلیل اطلاعات.....	۲۰
۱۳- ارتباط طرح با فعالیت دستگاه‌های اجرایی.....	۲۰
فصل دوم: آموزش پزشکی قبل از تأسیس دارالفنون.....	۲۲
۱-۲- آموزش طب در ایران باستان.....	۲۲
۲-۲- آموزش طب در تمدن اسلامی و ایران.....	۲۲
۱-۲-۲- راه‌های ورود به پیشه طب در گذشته.....	۲۳
۲-۲-۲- شیوه‌های تعلیم و تعلم در طب.....	۲۶
۳-۲-۲- مدت تحصیل طب.....	۲۷
۴-۲-۲- منابع و مواد درسی.....	۲۸
۵-۲-۲- مکانها و مراکز آموزش طب.....	۲۹
۶-۲-۲- ارزشیابی دانشجویان.....	۲۹
فصل سوم: آموزش پزشکی در دوره قاجار (از تأسیس دارالفنون تا گشایش دانشکده طب).....	۳۲
۱-۳- خاستگاه پزشکی جدید و زمینه‌های آموزش آن در ایران.....	۳۲
۲-۳- دارالفنون و زمینه‌های تأسیس آن.....	۳۵

- ۳-۳- استاد و دانشجو (نحوه پذیرش دانشجو و اساتید دروس)..... ۳۸
- ۳-۳-۱- شرایط ورود و پذیرش در دارالفنون..... ۳۸
- ۳-۳-۲- اساتید دارالفنون..... ۴۰
- الف) اساتید ایرانی..... ۴۰
- ب) اساتید غیرایرانی..... ۴۰
- ۳-۴-۱- برنامه های آموزشی (منابع، دروس، زبان و مدت تحصیل)..... ۴۴
- ۳-۴-۱-۱- دروس..... ۴۴
- ۳-۴-۲- شیوه های آموزش و زبان..... ۴۴
- ۳-۴-۳- طول دوره تحصیل..... ۴۵
- ۳-۴-۴- مواد آموزشی مدرسه طب دارالفنون..... ۴۵
- الف) طب ایرانی..... ۴۶
- ب) طب اروپایی..... ۴۶
- ۳-۴-۵- کلاسهای آزاد..... ۴۸
- ۳-۴-۶- انتخاب اکسترن و انترن برای اولین بار..... ۴۸
- ۳-۴-۷- فارغ التحصیلان..... ۴۸
- ۳-۵- تأثیرات و تبعات دارالفنون در سیستم سلامت عمومی ایران..... ۵۰
- ۳-۶- نهاد متولی: (قوانین مرتبط - ارتباط نهادهای متولی آموزشی با دولت)..... ۵۱
- ۳-۶-۱- بازدید شاهانه..... ۵۲
- ۳-۷-۱- جدال طب سنتی و پزشکی مدرن در دارالفنون..... ۵۴
- ۳-۷-۱-۱- مصادیق و حوزه های تقابل..... ۵۴
- ۳-۷-۲- واپسین مقاومت طب جالینوسی (مکاتب اربعه تعلیم طب در تهران)..... ۵۹
- ۳-۸- انحطاط دارالفنون..... ۶۱
- ۳-۹- مدرسه طب..... ۶۶
- ۳-۱۰- دانشکده طب: (از مدرسه طب تا دانشکده پزشکی)..... ۶۷
- فصل چهارم: آموزش پزشکی در دوره پهلوی..... ۷۲**
- ۴- آموزش پزشکی در دوره پهلوی..... ۷۲
- ۴-۱- تأسیس دانشگاه تهران..... ۷۳
- ۴-۱-۱- روند تأسیس دانشکده طب دانشگاه تهران..... ۷۳

تأسیس دانشکده پزشکی در شهرستان ها.....	۷۴	۲-۱-۴
آموزشگاههای عالی بهداشتی شهرستان ها.....	۷۴	۳-۱-۴
استاد و دانشجو (نحوه پذیرش دانشجو و هیأت علمی).....	۷۵	۲-۴
شیوه انتخاب استاد و هیأت علمی.....	۷۵	۱-۲-۴
کرسی های استادی دانشکده پزشکی.....	۷۶	۲-۲-۴
پذیرش دانشجو.....	۷۷	۳-۲-۴
شرایط ورود به دانشکده.....	۷۷	۴-۲-۴
آزمون ورودی.....	۷۸	۵-۲-۴
امتحانات دانشکده پزشکی.....	۸۱	۶-۲-۴
امتحانات کتبی.....	۸۱	۷-۲-۴
امتحانات بالینی.....	۸۱	۸-۲-۴
امتحانات عملی.....	۸۲	۹-۲-۴
برنامه های آموزشی (منابع، دروس، زبان و مدت تحصیل).....	۸۲	۳-۴
اساسنامه دانشکده طب.....	۸۲	۱-۳-۴
برنامه اجمالی تعلیمات سه گانه.....	۸۳	۲-۳-۴
اصلاح اساسنامه دانشکده طب.....	۸۴	۳-۳-۴
برنامه آموزشی تحصیلات دانشکده پزشکی.....	۸۴	۴-۳-۴
اصلاحات کلی در برنامه های آموزشی (۱۳۲۸ ش،).....	۸۵	۵-۳-۴
دوره های تخصصی و تکمیلی دانشکده پزشکی دانشگاه تهران.....	۸۶	۶-۳-۴
دوره های تخصصی.....	۸۶	۷-۳-۴
دوره های تکمیلی.....	۸۶	۸-۳-۴
فارغ التحصیلان و دانشنامه دکتری.....	۸۷	۴-۴
برنامه های آموزش پزشکی در دهه چهل و پنجاه شمسی.....	۸۸	۵-۴
پیاده سازی الگوهای آموزشی آمریکایی بجای سایر الگوها.....	۸۹	۱-۵-۴
آموزش ضمن خدمت عوامل پزشکی و مؤسسات غیر دولتی.....	۸۹	۲-۵-۴
زبان پایه تدریس و تحصیل.....	۹۰	۳-۵-۴
طول تحصیل و شهریه.....	۹۰	۴-۵-۴

تعداد دانشجوی.....	۹۰	۴-۵-۵-
ارزشیابی.....	۹۰	۴-۵-۶-
نهاد متولی: (قوانین مرتبط- ارتباط نهادهای متولی آموزشی با دولت).....	۹۱	۴-۶-۶-
قوانین و ارگانهای درگیر.....	۹۱	۴-۶-۱-
سازمان اداری و ریاست.....	۹۳	۴-۶-۲-
جایگاه ارائه خدمات سلامت در برنامه های عمرانی دوره پهلوی.....	۹۵	۴-۶-۳-
وضعیت کلی و شاخصهای توسعه.....	۹۷	۴-۶-۴-
اهداف و چشم اندازها (نقش پزشکان، درمانگری و ...).....	۹۸	۴-۷-
وضعیت کلی پزشکان در دوره پهلوی دوم.....	۹۸	۴-۷-۱-
اهداف و چشم انداز های آموزش پزشکان در دوره پهلوی.....	۱۰۱	۴-۷-۲-
نظام ارائه خدمات (وضعیت حرفه ای و کاری پزشکان).....	۱۰۶	۴-۸-
مسأله کمبود پزشک و ابعاد گوناگون آن در دوره پهلوی دوم.....	۱۰۶	۴-۸-۱-
مهاجرت پزشکان به خارج از کشور.....	۱۰۷	۴-۸-۲-
چالشها و پتانسیلهای ارتقاء.....	۱۰۷	۴-۹-
اهم چالشهای حاد در حوزه آموزش.....	۱۰۷	۴-۹-۱-
طرح پیشنهادی تغییرات بنیانی در آموزش پزشکی کشور.....	۱۱۱	۴-۹-۲-
مفاد اصل بنیانی هیجدهم: (سیاستها و راهکارهای آموزش و تندرستی).....	۱۱۱	۴-۹-۳-
مهمترین دغدغه های آموزش پزشکی در دوره پهلوی دوم.....	۱۱۲	۴-۹-۴-
چارچوبها و خطوط اولیه سیستم پیشنهادی.....	۱۱۴	۴-۹-۵-
مشخصات طرح پیشنهادی.....	۱۱۴	۴-۹-۶-
رده های اصلی آموزش در طرح جامع پیشنهادی تغییر آموزش پزشکی.....	۱۱۶	۴-۹-۷-
لزوم تجدید نظر در دوره های پیوسته دراز مدت پزشکی.....	۱۱۷	۴-۹-۸-
دوره اول: لیسانس علوم تندرستی (دوره پزشکی مراقبت های اولیه).....	۱۱۸	۴-۹-۹-
نحوه دوره خدمت دانشجویان.....	۱۱۹	۴-۹-۱۰-
دوره دوم: دکترای علوم تندرستی.....	۱۲۰	۴-۹-۱۱-
ادامه تحصیل برای تخصص های بالاتر.....	۱۲۱	۴-۹-۱۲-
ایراداتی که ممکن است به طرح پیشنهادی وارد آید.....	۱۲۱	۴-۹-۱۳-

۱۲۴.....	نتیجه گیری کلی از طرح	۱۴-۹-۴
۱۲۸.....	فصل پنجم: آموزش پزشکی در عصر حاضر.....	
۱۲۹.....	آموزش پزشکی در عصر حاضر (از پیروزی انقلاب تا طرح تحول نظام سلامت).....	۵-
۱۲۹.....	تأسیس وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی.....	۵-۱-
۱۳۴.....	روند تأسیس مراکز (دانشگاهها و دانشکده های) آموزش پزشکی	۵-۱-۱-
۱۳۵.....	استاد و دانشجو: نحوه پذیرش دانشجو، هیأت علمی	۵-۲-
۱۳۵.....	روند و نحوه پذیرش دانشجو	۵-۲-۱-
۱۳۷.....	تعداد دانشجویان در مؤسسات آزاد	۵-۲-۲-
۱۳۷.....	اعضای هیأت علمی گروه پزشکی	۵-۲-۳-
۱۳۸.....	برنامه های آموزشی (منابع، دروس، زبان و مدت تحصیل).....	۵-۳-
۱۳۸.....	برنامه ریزی آموزشی	۵-۳-۱-
۱۳۹.....	تفویض اختیار یا وابستگی دانشگاهها	۵-۳-۲-
۱۴۰.....	بازنگری در برنامه ها	۵-۳-۳-
۱۴۲.....	برنامه و کوریکولوم های آموزشی	۵-۳-۴-
۱۴۳.....	طول دوره و شکل نظام	۵-۳-۵-
۱۴۴.....	واحدهای درسی	۵-۳-۶-
۱۴۵.....	تخت های آموزشی	۵-۳-۷-
۱۴۵.....	نسبت تخت آموزشی به دانشجوی پزشکی در مقاطع زمانی مختلف	۵-۳-۸-
۱۴۶.....	نهاد متولی: قوانین مرتبط- ارتباط نهاد متولی با دولت	۵-۴-
۱۴۶.....	ساختارهای دولتی متولی آموزش	۵-۴-۱-
۱۴۸.....	مراکز توسعه آموزش پزشکی	۵-۴-۲-
۱۵۰.....	سیاستگذاری در آموزش عالی علوم پزشکی	۵-۴-۳-
۱۵۱.....	سیاست گذاری سلامت و مداخله دولت	۵-۴-۴-
۱۵۳.....	برنامه آموزش عالی در طرح «تحول نظام سلامت»	۵-۴-۵-
۱۵۴.....	مأموریت آموزش عالی در حوزه سلامت	۵-۴-۱-
۱۵۵.....	چالش های کلی در آموزش عالی نظام سلامت	۵-۴-۲-
۱۵۵.....	چالش های فرآیندی در آموزش عالی نظام سلامت	۵-۴-۳-

۱۵۵.....	چالش های آموزش پزشکی عمومی.....	۴-۵-۴-۵
۱۵۶.....	چالش های آموزش تخصصی بالینی.....	۵-۵-۴-۵
۱۵۶.....	هدف از تربیت پزشک: نقش های پزشک-پژوهش، مدیریت و درمانگری	۵-۵
۱۵۶.....	وظایف و نقش پزشکان.....	۱-۵-۵
۱۵۸.....	اهداف عمده آموزش پزشکی.....	۲-۵-۵
۱۵۸.....	ادغام آموزش پزشکی با نظام ارائه خدمات.....	۶-۵
۱۵۹.....	آموزش نیروی انسانی.....	۱-۶-۵
۱۵۹.....	چرا ادغام.....	۲-۶-۵
۱۶۱.....	تجربه های جهانی در رابطه با ادغام نظام آموزش دانشگاهی.....	۳-۶-۵
۱۶۴.....	اهداف ادغام.....	۴-۶-۵
۱۶۵.....	مراحل شکلگیری ادغام در ایران.....	۵-۶-۵
۱۶۷.....	چالشهای عمده ادغام در حوزه آموزش پزشکی.....	۷-۶-۵
۱۷۱.....	فقدان مطالعات اولیه و نبود الگوی بهینه و کارآمد.....	۱-۷-۶-۵
۱۷۳.....	تغییرات مدیریتی.....	۲-۷-۶-۵
۱۷۳.....	اکتفا به ادغام ساختاری.....	۳-۷-۶-۵
۱۷۶.....	مطالعات و نتایج علمی در رابطه با ادغام در ایران.....	۸-۶-۵
۱۸۲.....	۹-۶-۵- فعالیتهای پیشنهادی برای تقویت ادغام از سوی سازمان بهداشت جهانی.....	
۱۸۳.....	چشم انداز آتیه ادغام در ایران	۱۰-۶-۵
۱۸۷.....	فصل ششم: نتایج و پیوستها.....	
۱۸۷.....	نتیجه گیری.....	
۲۰۹.....	کتابنامه.....	
۲۰۹.....	منابع فارسی.....	
۲۱۹.....	منابع عربی.....	
۲۱۹.....	منابع لاتین.....	

فهرست جداول:

۷۶.....	جدول شماره ۴-۱: کرسی های هیأت علمی دانشکده طب دانشگاه تهران.....
۸۷.....	جدول شماره ۴-۲: آمار فارغ التحصیلان دانشکده پزشکی.....
۱۲۹.....	جدول شماره: ۵-۱: سیر تاریخی آموزش عالی پزشکی در ۱۵۰ سال اخیر.....

- جدول شماره ۵-۲: تعداد دانشکده های پزشکی، دندانپزشکی و داروسازی در سه دهه اخیر ۱۳۵
- جدول شماره ۵-۳: تعداد پذیرفته شدگان رشته پزشکی در بخش دولتی در مقاطع زمانی مختلف ۱۳۷
- جدول شماره ۵-۴: تعداد اعضای هیأت علمی و درصد زنان عضو ۱۳۸
- جدول شماره ۵-۵: ارزیابی برنامه های آموزش پزشکی در دانشگاه شهید بهشتی ۱۴۲
- جدول شماره ۵-۶: تعداد تخت های آموزشی در مقاطع زمانی مختلف ۱۴۵
- جدول شماره ۶-۱: چالشها و ارزشهای آرمانی ۱۹۷
- فهرست عکسها:

- عکس شماره ۳-۱: شاگردان دارالفنون ۶۱
- عکس شماره ۳-۲: تصدیقنامه و اجازه نامه فارغ التحصیلان دارالفنون ۶۵
- عکس شماره ۴-۱: دانشکده پزشکی در سال تحصیلی ۱۴-۱۳۱۳ ۸۳
- عکس شماره ۴-۲: مدرسه طب در سال ۱۳۱۱ در خیابان لاله زار نو ۹۵

پیشگفتار:

رساله پیش رو بدنبال پاسخگویی به ابهامات و پرسشهای متعددی است که امروزه در حوزه آموزش پزشکی خودنمایی می‌کنند، و پژوهشگر مدعیست که ریشه آنها را باید در گذشته جستجو کرد؛ پیشینه‌ی آموزش پزشکی جدید بعنوان بخشی از تاریخ پزشکی ایران، مربوط به انتقال مفاهیم، مهارتها و فنون پزشکی می‌باشد، که عمری قریب به یکصد و هفتاد سال دارد. این پدیده‌ی زنده و جاری، ماحصل تغییرات و دگرگونی‌هایی است که در طول یک قرن و نیم بر آن تحمیل شده‌اند؛ تحولاتی که در یک سیر پیوسته و بدون شکاف تاریخی، از کلاس طب دارالفنون شروع شد، در مدرسه عالی طب مستقل گردید و از دروازه دولت مدرن به دنیای آکادمیک پا نهاد؛ در عصر پهلوی، بعنوان چالشی لازم‌التغییر مطرح و در سه دهه گذشته با تحولاتی بنیانی وارد تشکیلاتی منحصر به نام وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی گردید.

پژوهش موردنظر سعی دارد تا چشم اندازی تاریخی و تطبیقی از دوره های تحول در آموزش پزشکی را با رویکردی توصیفی - تحلیلی، پیش روی خوانندگان قرار دهد و با رصد جامع تاریخی، مقاطع عطف و رکود این پدیده را نشان دهد. رساله متأثر از اهداف و پرسشهای تعیین شده در شش فصل تدوین گردیده و پژوهشگر در چهار فصل اصلی، بدنبال تحقق اهداف تحقیق است؛ نخست، سیری کلی از وضعیت آموزش پزشکی قبل از تأسیس مدرسه دارالفنون ارائه می‌گردد، سپس بخش اصلی رساله در در سه فصل مجزا تدوین می‌شود.

آموزش پزشکی در عصر قاجار با تکیه بر مدرسه « دارالفنون » و رؤس برنامه ها، اساتید و رویکرد کلی دربار نسبت به این مدرسه در فصل سوم رساله جای می‌گیرد؛ فصل چهارم به ورود آموزش پزشکی به دنیای آکادمیک و تحولات کلی آن در دوره پهلوی اختصاص دارد، و در فصل پنجم رساله، به انبوه تحولاتی پرداخته می‌شود که بدنبال تغییر نظام حکومتی، بر ساختار سلامت ایران تحمیل گردید. دگرگونی‌هایی که منجر به جدایی آموزش پزشکی از وزارت علوم و انضمام آن به ساختاری جدید به نام وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی گردید.

بطور کلی سیر تحولات بگونه‌ای ارائه شده است که مخاطب بتواند در چارچوبی منسجم دست به مقایسه و تحلیل بزند؛ چنانکه در هر دوره تاریخی، توصیفی جامع از نهادهای آموزشی، تشکیلات تأثیرگذار داخلی و خارجی، رویکرد حاکمیت سیاسی، الگوهای آموزشی، اساتید و فراگیران و سایر مؤلفه های مؤثر ارائه گردیده است

فصل اول:

کلیات

فصل اول: کلیات

۱- بیان مسأله:

آموزش پزشکی بعنوان امری اساسی در نظام عمومی سلامت کشور، دچار تحول بزرگی در اوایل انقلاب گردید. هیأت وزیران در جلسه مورخ ۹، ۱۱، ۶۴ آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۴ قانون تشکیل وزارت «بهداشت، درمان و آموزش پزشکی» را تصویب نمود. با تأسیس وزارتخانه جدید، تمامی برنامه‌های آموزش پزشکی از سایر دستگاه‌های مرتبط با آموزش پزشکی جدا و به وزارتخانه‌ی جدید سپرده شد؛ این اتفاق غیر معمول (هم در سطح ملی و هم بین المللی) و بی سابقه با وجود مخالفت سه هزار عضو هیأت علمی بر اساس توجیحات و دلایلی چون: کمبود کادر پزشکی و پیراپزشکی، توزیع نامناسب امکانات پزشکی در کشور، ارتقای سطح کمی و کیفی آموزش، حضور دائمی و فعال دانشجویان در مراکز بهداشتی و درمانی و ارتقای ارزشهای اسلامی و معنوی انجام گرفت؛ که این امر مشکلات عدیده‌ای را در بخش آموزش و کارآمدی فارغ التحصیلان این حوزه ایجاد نمود؛ با تفکیک آموزش پزشکی از وزارت علوم هم آموزش پزشکی و هم رشته‌های علمی مشترک بین وزارتخانه‌های بهداشت و علوم صدماتی دیدند و ارتباط علمی بسیاری از رشته‌های مشترک در دو وزارتخانه چون روانشناسی بالینی، علوم پایه، دامپزشکی، صنایع غذایی و ... گسسته شد و مقوله تحقیقات پروژه‌های کلان آموزشی مربوط به دانشگاه‌ها در دو وزارتخانه، مانند دو جزیره از هم جدا شدند. پزشکان در وزارت بهداشت کنونی در عرصه امور اجرایی مسئولیتهای سنگینی بر عهده دارند، که به هیچ عنوان آموزشی نبوده و بنابراین آموزش پزشکی تحت الشعاع مباحث درمانی و خدماتی قرار گرفته است؛ از طرفی مسائل و چالشهای آموزشی در وزارتخانه جدید مسئولان را برآن داشت تا در سال ۱۳۷۳ش، به فکر ایجاد رشته‌ی آموزشی در سطح کارشناسی ارشد و دکتری به نام «آموزش پزشکی» باشند، که این اقدام نیز امری نامتعارف در عرصه‌ی جهانی بود؛ این وضعیت بعنوان مسأله‌ی حاد و جدی، ریشه در تاریخ علم پزشکی بصورت عام و ظهور آموزش مدرن پزشکی بصورت خاص دارد؛ رهیافت تاریخی مسأله فوق را می‌توان با کنکاشی جزئی نگرانه از ظهور آموزش پزشکی جدید در دارالفنون تا عصر حاضر رصد کرد. روند تغییرات آموزش پزشکی مدرن در تاریخ ایران تابع جریان‌ات، ارزشها و گفتمانهای نهفته اجتماعی متعددی می‌باشد که در دوره‌های تاریخی بر زندگی عمومی و روزمره ایرانیان حاکم بوده‌اند.

پزشکی ایران دوره قاجاریه بر پایه سنتهای حاکم و آموزه‌های طب جالینوسی و اسلامی بود و پیش از تأسیس مدرسه دارالفنون در ۱۲۶۸ قمری، پزشکان سنتی اکثراً به روش‌های قدیمی طبابت می‌کردند. هیچ دستور و قاعده مدونی نیز برای آموزش و تعلیم طبیبان جوان در کار نبود.

الزامات اجتماعی چون فقدان سیستم بهداشتی - درمانی و ضعف جدی در این زمینه می‌رفت تا تحولی جدی در این حوزه اتفاق بیفتد؛ قالب سخت‌افزاری و محتوایی طب سنتی به سمت نوگرایی و تحول پیش رفت. چارچوب سنتی جامعه‌ی ایران تجربه‌ی پزشکی چندین سده را پشت سر گذاشته بود و می‌رفت که عرصه‌های نوگرایی در طب را بیازماید، از جمله حوزه‌های فرهنگی و عوامل دخیل در آموزش و تعلیم پزشکی در نیمه‌های قرن نوزدهم متأثر از آموزه‌های وارداتی دارالفنون و مستشاران فرنگی گشت و

نخستین کتاب‌های فارسی در حوزه پزشکی جدید منتشر شدند و بعضی از مقامات دولتی و محصلان دارالفنون آموزش‌هایی به سبک پزشکی جدید دریافت کردند.

بعد از ظهور دولت مدرن در ایران (ابتدای سده بیستم و قدرت گرفتن رضاشاه پهلوی) بسیاری از ساختارها و نهادهای نوین در ایران ظاهر شدند، از جمله مشتقات دارالفنون در حوزه آموزش پزشکی به شکل مدارس طبی مدرن درآمدند و آموزش طب (در مدرسه طب) نظم و قوام بیشتری پیدا کرد و به دوره‌های آموزش علوم پایه و بالینی تقسیم شد. بدنبال تأسیس دانشکده طب دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳ ش.، روند تخصصی شدن با شتاب بیشتری ادامه داشت و از سال ۱۳۱۷ ش.، نام دانشکده طب به دانشکده پزشکی تغییر یافت. تا سال ۱۳۱۹ ش.، دانشکده پزشکی مشتمل بر دانشکده پزشکی، داروسازی و دندانپزشکی بود و عناوین اعضای هیأت علمی، تحت عنوان اساتید با کرسی، اساتید بی‌کرسی و دانشیاران مشخص می‌گردید. در سالهای بعد، دانشکده داروسازی و دندانپزشکی از دانشکده پزشکی جدا شده و بطور مستقل اقدام به تربیت دانشجو نمودند. در سال ۱۳۱۹، بیمارستانهای تهران ضمیمه دانشکده پزشکی شدند و معلمین طب از کشورهای اروپایی راهی ایران شدند.

در دوره پهلوی دوم، سیاست کشور در برنامه‌ریزی پیرامون رشد و توسعه دانشگاهها و مراکز آموزش عالی به مانند دوره قبل روی دانشگاهها و دانشکده‌های پزشکی متمرکز بود. بر اثر تشنجات سیاسی کشور در نیمه دوم دهه ۲۰ خورشیدی تا چند سال اول دهه ۳۰ اجرای برنامه هفت سال اول عمرانی با مشکلات فراوانی مواجه شد و جابجایی‌های متعددی در مدیریت آموزش عالی و شیوه‌های آموزش صورت گرفت.

بعد از کودتای بیست و هشت مرداد ماه ۱۳۳۲ ش.، سیاستهای اجرایی دولت در بخش بهداشت و درمان و از جمله آموزش پزشکی تحت تأثیر مستشاران آمریکایی قرار گرفت و در اصل هفتم اصلاحات «انقلاب سفید» برنامه «سپاه بهداشت» با آموزش و تربیت مریبان بهداشتی و اعزام به شهرستانها و روستاها صورت پذیرفت.

حدود ده سال پس از تصویب قانون تأسیس دانشگاههای شهرستانها، برای توسعه دانشگاههای مذکور، قانون راجع به تکمیل عده مدرسان دانشگاههای شهرستانها از جمله دانشگاههای پزشکی در ۱۳۳۸ خورشیدی به تصویب رسید و دانشکده‌های پزشکی متعددی در کشور دایر گردید. بعد از دهه پنجاه شمسی تعداد محدودی از دانشگاهها همچون دانشکده پزشکی شیراز برای اولین بار تغییراتی را در برنامه‌های آموزشی خود اعمال و اجرا کردند و دغدغه اصلاحات در آموزش پزشکی مطرح و بر چالشهای اساسی در این حوزه تأکید گردید؛ چالشهایی که بعدها با تغییر نظام سیاسی کشور در تحولاتی بنیادین، مبنای الحاق سیستم آموزش پزشکی به نظام ارائه خدمات درمان و پیشگیری گردید و منجر به تأسیس تشکیلاتی جدید و منحصر تحت عنوان «وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی» شد. تشکیلاتی که فقط توانست اهداف کمی این تغییر را محقق سازد؛ چرا که در انقلاب فرهنگی و تحولات گفتمانی مربوطه، بخشی از آن تحت عنوان شاخه پزشکی ستاد انقلاب فرهنگی متولی سیستم سلامت عمومی بصورت عموم و مسائل آموزش پزشکی گردید. این ستاد با توصیف وضعیت کلی آموزش پزشکی در ایران دهه پنجاه شمسی، اهداف و چشم

اندازه‌هایی را بنحو اضطرار تعریف نمود و برای برون رفت از چالش‌های مسائل تندرستی کشور، اصلاح در کلیات آموزش پزشکی را یک ضرورت حیاتی اعلام کرد. این اصلاحات در الحاق سیستم آموزش علوم پزشکی به نظام ارائه خدمات درمان و پیشگیری انجام گرفت و همانگونه که در سطور ابتدایی اشاره گردید؛ نتوانست به مشکلات و چالشها پایان دهد، اکنون بسیاری از چالشهایی که در ابتدای دهه شصت شمسی صحبت از آنها بود یا به فراموشی سپرده شده‌اند و یا تحت عناوین دیگری خود منجر به آسیبها و عوارضی با اشکال دیگری شده‌اند. هنوز کشور از یک سیستم سلامت عمومی کارا و جوابگو بهره مند نیست، و بسیاری از مناطق محروم از کمبود تسهیلات تندرستی و سلامت همگانی رنج می‌برند. بطور کلی قضیه‌ی آموزش پزشکی مدرن و علوم وابسته در ایران، عمری قریب به یکصد و هفتاد سال دارد، مدت زمانی که حدود پنج نسل متوالی از مردمان این مرز و بوم شاهد تغییرات معنادار و منحنی وار آن بوده‌اند. فاکتورهای متعددی بر ظهور، نمو، رکود و کارایی این ساختار تمدنی اثر داشته‌اند؛ گاهی آن را در مقام ابزاری توانا به خدمت سلامت عمومی درآورده و زمانی بمثابه اهرمی برای کسب قدرت، بخدمت گرفته می‌شد.

روند تغییرات، عوامل تأثیرگذار (سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی)، جامعه هدف و سیاستگذاریهای اجرایی در تاریخ آموزش علوم پزشکی ایران خود پروسه‌ای چند بعدی، گسترده و دارای ابعاد مختلف است؛ که هر یک خود برآیندی مستقل از مؤلفه‌های تاریخی - اجتماعی کلان می‌باشد؛ لذا این تز ناگشوده و مسطور، بسان پدیده‌ای در تاریخ علم ایران، شایسته‌ی پژوهشی جامع و آکادمیک است که این رساله با بهره‌گیری از منابع علمی و چارچوبی نظری در پی پاسخگویی و تبیین آن می‌باشد.

۲- اهمیت و ضرورت انجام این پژوهش (چرایی پژوهش درباره این موضوع):

پرداختن به این مقوله‌ی چند وجهی (تطورات تاریخی در حوزه آموزش پزشکی و عوامل مهم و تأثیرگذار در این بخش)، بعنوان پدیده‌ای مهم در تاریخ اجتماعی ایران در پژوهشهای آکادمیک تاریخ علوم ایران دوره معاصر، مغفول مانده و در مقام مسأله‌ای نسبتاً مبهم شایسته‌ی حضور در پروسه‌ای علمی و پژوهشی می‌باشد؛ بی‌شک چالشها و مشکلات امروزی در عرصه سلامت جامعه، ریشه در تحولات و تطورات تاریخی این مقوله در گذشته دارند و مسأله آموزش پزشکی بعنوان امری اساسی و پایه‌ای در فرایند پیشگیری، درمان و حفظ تعادل پایدار جامعه نیز از این امر مستثنی نیست. لذا رساله‌ی فوق قصد دارد با دیدی تاریخی، توصیفی و ساختارمند به آن بپردازد و بخش تاریکی از تاریخ اجتماعی ایرانیان که شامل جریانات، ذهنیتها، نگرشها و تأثیرات فاکتورهای انسانی (حاکمیت، مؤسسات، انجمنهای صنفی، روشنفکران، نخبگان، روحانیون و توده جامعه) و غیرانسانی در برابر ظهور آموزش پزشکی نوین می‌باشد را از انبوه غبار زمان بزداید و با دیدی کلان و موسع به جنبه‌های ناگفته‌ی این سیر تغییرات ۱۷۰ ساله پاسخ دهد.

ضرورت وجودی این تحقیق در حوزه تاریخ علم پزشکی کاملاً گویا و ملموس است، چنانکه تا کنون بنا بر مطالعات پیشینه‌ای محقق، هیچگونه کار جدی و علمی در این مقوله انجام نشده و اشارات محققان بصورت جسته‌گریخته و بدون سامان می‌باشد.

از طرفی شناخت تاریخی به‌روشنی استقرایی نمونه‌های عینی تاریخی را جستجو، مطالعه و ارزیابی می‌کند و سپس بر پایه‌ی یافته‌های موجود به استنباط و طرح فرضیه می‌پردازد. روی دیگر این سخن آن است که توجه به شناخت تاریخی، تصمیم‌گیرندگان را از بسیاری آزمون و خطاهای غیرضروری که پیامدی جز سوزاندن فرصت‌ها و تحمیل هزینه‌های مادی و معنوی ندارد، بی‌نیاز خواهد کرد. به این ترتیب، شناخت تاریخی حاصل صدها سال تجربه و آزمون را، از جمله در موضوع تاریخ علوم، پیش روی تصمیم‌گیرندگان امروزی قرار می‌دهد تا با کاهش درصد خطا و پرهیز از تکرار، واقع‌بینانه در مسیر گسترش و بهبود شاخصهای بهداشتی - درمانی حرکت کنند و با شناخت دقیق عوامل تأثیرگذار و روابط علی، مسیره‌ها و الگوهای ساختاری در اختیار برنامه ریزان و سیاستگذاران امروزی قرار گرفته و مبنای تصمیمات کلان آنها در حوزه مسائل مربوط به آموزش علوم پزشکی گردد.

همچنین پژوهش فوق می‌تواند عرصه‌هایی تازه برای مطالعات آتیه در تاریخ طب سده‌های نوزدهم و بیستم ایران، فراروی پژوهشگران قرار داده و پیشنهاداتی گویا و سازنده برای رفع موانع و پر نمودن خلاءهای ساختاری در حوزه مطالعات تاریخ علوم در ایران ارائه دهد.

۳- اهداف پژوهش:

هدف کلی: مطالعه جامع تاریخی ظهور آموزش پزشکی مدرن از دارالفنون تا عصر حاضر.

اهداف جزئی:

- تبیین و مطالعه‌ی جریان‌ها و ذهنیتهای حاکم بر نحوه‌ی تربیت پزشکان ایرانی از نیمه دوم قرن نوزدهم (تأسیس دارالفنون) تا عصر حاضر.
- بررسی و مطالعه تاریخی مسأله آموزش پزشکی در دارالفنون و تبیین تقابل میان آموزش طب سنتی با پزشکی مدرن در جامعه ایران قاجاری.
- مطالعه تاریخی روند آکادمیکی آموزش پزشکی و تبیین تحولات اصلاحی آن در دوره پهلوی.
- مطالعه‌ی تغییرات بنیادی و ریشه‌ای در امر ادغام آموزش پزشکی با نظام ارائه خدمات در نظام فعلی کشور.
- مطالعه تاریخی روند آکادمیکی و تخصصی شدن آموزش پزشکی در سه سده اخیر.
- بررسی نقش و کارکردهای حاکمیت قاجار، پهلوی و جمهوری اسلامی در حوزه آموزش و تعلیم پزشکی در ایران.

۴- قلمرو پژوهش:

الف) قلمرو مکانی و زمانی:

پژوهش موردنظر حول جامعه‌ی ایرانی در دوره‌ی قاجار تا عصر حاضر انجام گرفته و دارای چارچوبهای محدود و مستقلى می‌باشد که بر اساس گزاره زمانی (حدود ۱۷۰ سال اخیر ایران) و مکانی (موجودیت سیاسی و فرهنگی ایران) شکل گرفته است.

ب) قلمرو موضوعی:

موضوع مورد مطالعه، بخش مشخصی از تاریخ اجتماعی ایران را در حوزه تاریخ پزشکی با عنوان « برآمدن و ظهور آموزش پزشکی مدرن در ایران» از تأسیس دارالفنون تا عصر حاضر را با اهداف قید شده، بررسی می‌کند؛ قلمرو موضوعی مذکور، خود دارای بابها و فصولی جزئیتر می باشد که پژوهشگر در بخش فصل بندی به تفکیک بدانها اشاره نموده است.

۵- سؤال‌های پژوهش:

پرسش اصلی: سیر تحولات تاریخی مسأله آموزش پزشکی مدرن از تأسیس دارالفنون تا عصر حاضر چگونه بوده است؟

پرسشهای فرعی:

- آموزش پزشکی در دوره قاجار مبتنی بر چه روابطی میان پزشکی مدرن و سنتی بوده است؟
- ظهور جریان آموزش پزشکی مدرن در دوره پهلوی تابع کدام روند تطور پزشکی نوین بوده است؟
- جدا شدن حوزه آموزش پزشکی از وزارت آموزش عالی بر اساس چه مقوماتی انجام گرفته است؟
- تحولات آموزش پزشکی در سه دهه گذشته تابع چه شرایط و عواملی بوده است؟

۶- فرضیه های پژوهش:

نگاهی اجمالی و مختصر بر حواشی و چارچوبهای موضوع موردنظر پیشفرضهایی گزاره وار به ذهن القاء می‌کند که اهم آنها از قرار ذیل است:

- آموزش پزشکی مدرن در دوره قاجار متأثر از ضرورتهای اجتماعی و اصلاحات عمومی در مدرسه دارالفنون دایر شد و تا حدودی با مقاومت نهادهای سنتی مواجه گردید.
- آموزش علوم پزشکی (بالینی و علوم پایه) در دوره پهلوی تحت تأثیر مدرنیزاسیون، ظهور دولت مدرن و تأسیس دانشگاه تهران به سمت شبه تخصصی و حرفه ای شدن رفت.
- معرفی چالشهای فراروی آموزش پزشکی و دغدغه اصلاحات در این حوزه برای اولین بار در دوره پهلوی دوم مطرح شد.
- آموزش علوم پزشکی بعد از وقوع انقلاب اسلامی تحت تحولات انقلاب فرهنگی و ارزشهای ایدئولوژیک بسمت کمیت گرایی، آرمانگرایی و بوروکراتیزه شدن حرکت کرد.